



بررسی مقطع سرنوشت‌ساز

## انقلاب اسلامی ایران



در طرف مقابل، حکومت باید خودکامه باشد و خواسته‌های ملت را وقتی نهد. به نیازهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دین مردم بی‌توجه باشد و فقط منافع خود، خانواده، نزدیکان و یا حامی خارجی را در نظر داشته باشد.

مجموعه این ویژگی‌ها شرایط را برای وقوع یک انقلاب آماده می‌کند که اگر با شرایط بین‌المللی مناسب همراه باشد، به پیروزی می‌رسد اما این احتمال هم وجود دارد که علیرغم وجود همه این مجموعه‌ها و شرایط انقلاب به پیروزی نرسد. انقلاب اسلامی ایران اما داستان دیگری دارد. این انقلاب که از مهم‌ترین حوادث دوران معاصر است، تحیر و سردرگمی بسیاری از صاحب‌نظران علوم

انقلاب‌ها به خودی خود روی نمی‌دهند باید آن‌ها را به وجود آورد. این نظریه مورد تاکید کلیه جامعه‌شناسان و تاریخ‌پژوهان است. انقلاب‌ها نیاز به شرایطی دارند که می‌توانند مثبت یا منفی باشند. شرایط مثبت را مخالفان و شرایط منفی را حاکمان در جامعه فراهم می‌کنند. انقلاب‌ها نیاز به ایدئولوژی و رهبری کارزماتیک دارند و این دو با کمک یکدیگر مردم، یعنی موتور اصلی انقلاب، را جذب می‌کنند. ایدئولوژی باید هماهنگ با فرهنگ و خواسته‌های ملت باشد، در غیر این صورت کشش و کوشش لازم را در جامعه به وجود نمی‌آورد. رهبری باید تجسم عینی خواسته‌های مردم باشد و آرزوی‌های دیرینه و کنونی آنان را پیگیری کند.

مجدد نام امام‌خمينی در عرصه سياسي و اجتماعي ايران بود. در اين مجالس که در تهران، قم و ساير شهرها تشکيل گرديد، مجدداً افکار امام و مخالفت و مبارزه با رژيم شاه و تبعيد ايشان از ايران، مطرح شد و زمينه حرکت جديدي را برای ابراز مخالفت با شاه فراهم نمود.

شاه که تقريباً یک دهه قدرت بلامنازع را تجربه کرده بود و خود را در اوج می‌ديد، انتظار چنين عکس‌العملی را از جانب مردم، روحانيون و گروه‌های سياسي نداشت، زیرا به خيال او ديگر داستان نهضت امام‌خمينی به پايان رسیده و قدرت مطلقه سلطنت بدون رقيب است. به همين دليل اين واکنش اجتماعي و سياسي برای شاه بسيار سنگين و سهمگين بود. او تصميم گرفت اين پديده را با حرکتی تند در نطفه خفه کند و با یک حمله به امام داستان را پايان دهد.

در چارچوب اين تحليل و عليرغم مخالفت تمام دوستان و نزديکان، شاه دستور داد در وزارت دربار مقاله اهانت آميزی عليه امام‌خمينی تهيه شود تا در روزنامه‌ای چاپ گردد. زمانی که پيش‌نويس مقاله به رؤيت شاه رسيد، او دستور داد متن بايد تندتر باشد و به همين دليل غلظت اهانت به امام‌خمينی به نظر شخصي شاه افزايش يافت.

«ايران و استعمار سرخ و سياه» عنوان مقاله‌ای بود که در روز شنبه ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۶ با امضای مستعار احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات به چاپ رسيد. در بخشی از اين مقاله که صريحاً به امام‌خمينی اهانت شده، چنين آمده بود:

«... اين روزها به مناسبت ماه محرم و عاشورای حسيني بار ديگر اذهان متوجه استعمار سياه و

سياسی را فراهم آورد، زیرا حدود یک سال قبل از سقوط محمدرضا پهلوی، همه چیز آرام و مطابق ميل او بود. حمايت کامل آمریکا و شوروی و ديگر قدرت‌های اروپايی از او، ارتش تا دندان مسلح که ماموريت‌های منطقه‌ای بر عهده داشت، ساواک قدرتمند، عدم وجود بحران مالی جدی و يا شکست در یک جنگ که در وقوع انقلاب‌های ديگر موثر بوده، حکايت از ثبات و استمرار بی‌دردسر حکومت شاه داشت. او توانسته بود به آمریکا يعني حامی اصلی بقبولاند که ايران يعني شاه و شاه يعني ايران و به همين دليل خود را شکست‌ناپذير می‌دانست و اين ايده را نيز به ديگران تلقين کرده بود. شرايط به گونه‌ای بودند که کارتر، رئيس‌جمهور وقت آمریکا، تقريباً یک سال قبل از سرنوشتی شاه، وی را به خاطر ايجاد جزيره ثبات در یکی از نواحی پر آشوب دنيا ستود.

در اين مقاله در پی آن هستيم که عليرغم وجود شرايط مناسب برای ادامه حکومت شاه، نحوه سقوط او و پيروزی انقلاب اسلامی را بررسی نماييم. مساله‌ای که باعث تعجب صاحب‌نظران سياسي و کارشناسان خبره در امر انقلاب گرديد. در اين بررسی فقط مقطع آخر جريان انقلاب اسلامی مورد توجه قرار می‌گيرد و به ریشه‌ها و عقبه انقلاب که به پانزده خرداد ۴۲، ملی شدن صنعت نفت، انقلاب مشروطيت، نهضت تنباکو و ... مربوط است، اشاره‌ای نمی‌گردد.

پس از درگذشت مرحوم آقای سيد مصطفی خمينی فرزند امام در روز اول آبان ۱۳۵۶ که در آن زمان مرگ مشکوکی تلقی گرديد، مجالس ترحيم و بزرگداشت زيادی برگزار شد که نتيجه آن طرح

سرخ و یا به تعبیر دیگری، اتحاد استعمار کهن و نو شده است. سرآغاز انقلاب شاه و ملت، در روز ششم بهمن ماه ۲۵۲۱ شاهنشاهی، استعمار سرخ و سیاه ایران را با یکدیگر متحد ساخت و مظهر این همکاری صمیمانه در بلوای روزهای پانزده خرداد ماه ۲۵۲۲ در تهران آشکار شد. مردی که سابقه‌اش مجهول بود و به قشری‌ترین و به مرتجع‌ترین عوامل استعمار وابسته بود و چون در میان روحانیون عالی مقام کشور با همه حمایت‌های خاص، موقعیتی به دست نیاورده بود. در پی فرصت می‌گشت که به هر قیمتی که هست خود را وارد ماجراهای سیاسی کند و اسم و شهرتی پیدا کند. روح‌اله‌خمینی عامل مناسبی برای این منظور بود و ارتجاع سرخ و سیاه او را مناسب‌ترین فرد برای مقابله با انقلاب ایران یافته‌اند. او کسی بود که عامل واقعه ننگین روز پانزده خرداد شناخته شد. در تاریخ انقلاب ایران روز پانزدهم خرداد به‌عنوان خاطره‌ای دردناک از دشمنان ملت ایران باقی خواهد ماند و میلیون‌ها مسلمان ایرانی به خاطر خواهند آورد که چگونه دشمنان ایران هر وقت منافعشان اقتضا کند با یکدیگر همدست می‌شوند، حتی در لباس مقدس و محترم روحانی.»

برای بررسی نحوه این اقدام شاه که تقریباً با مخالفت تمامی دست اندرکاران آن زمان همراه بود باید به تغییراتی که در کشور آمریکا رخ داد اشاره نمود و سیاست جدید این دولت را مورد بررسی قرار داد.

پس از روی کار آمدن کارتر، پیگیری حقوق بشر در دستور کار دولت آمریکا قرار گرفت و دولت‌های متحد آمریکا در نقاط مختلف جهان، خود را با این

سیاست تطبیق می‌دادند. در این چارچوب شاه ایران نیز بحث فضای باز سیاسی را مطرح کرد و قول داد که آزادی‌های سیاسی را در کشور مورد توجه قرار دهد. در نقطه مقابل، مخالفان شاه نیز از فرصت استفاده کرده و کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر را تاسیس کردند تا در این چارچوب اهداف خود را دنبال نمایند.

نگارنده در این زمان در جلسه‌ای در منزل مرحوم آقای علی حجتی کرمانی شرکت نمود که در آن افرادی هم چون دکتر علی شریعتی، آقای محمد جواد حجتی کرمانی، مرحوم استاد فخرالدین حجازی و تعدادی دیگر از فعالان دینی حضور داشتند. یکی از افراد از دکتر شریعتی سؤال نمود که به نظر شما در صورت جدی شدن بحث فضای باز سیاسی باید چه اقدامی انجام داد. دکتر شریعتی در پاسخ گفت: به نظر من بهترین کار ادامه برنامه سخنرانی‌ها در حسینیه ارشاد و اماکن دیگر مذهبی است تا آگاهی‌های لازم در جامعه به وجود آید.

شاه که از این سیاست جدید رئیس‌جمهور آمریکا خوشحال نبود، تا حدی احساس تزلزل می‌کرد و خود را مجبور می‌دید در راهی گام بردارد که به آن اعتقادی نداشت.

شاه برای رفع این معضل و توجیه کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا، نسبت به فضای سیاسی ایران، در ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۶ عازم آمریکا شد تا برای تثبیت موقعیت سیاسی و بین‌المللی خود اقدام لازم را به‌عمل آورد.

نتیجه این سفر مطابق دلخواه شاه نشد و لطمه شدیدی به موقعیت بین‌المللی او وارد گردید، زیرا در

نکته بسیار مهم تاریخی در اینجا تغییر موضع ناگهانی کارتر در مورد حکومت شاه و حمایت همه جانبه‌ای است که پس از مدتی محدود از طرف دولت آمریکا نسبت به رژیم شاه انجام می‌گیرد. در چارچوب این تغییر استراتژی، چند هفته پس از سفر شاه به آمریکا و برخلاف عرف دیپلماتیک کارتر تصمیم به انجام سفر به تهران می‌گیرد.

ویلیام سولیوان، سفیر وقت آمریکا، درباره این سفر می‌گوید: «کارتر شخصاً تصمیم گرفت در فاصله مسافرتش بین لهستان و آفریقا یک شب در تهران بماند. او ادامه می‌دهد و می‌گوید پیشنهاد این سفر شاه را به هیجان آورد، زیرا انجام این مسافرت نه فقط مبین استحکام روابط ایران و آمریکا و نزدیکی وی با رئیس‌جمهور جدید آمریکا بود، بلکه به همه مخالفان و انتقاد کنندگانش در ایران و آمریکا نشان می‌داد که قهرمان بزرگ آمریکایی حقوق بشر، رژیم شاه را شایسته حمایت و مبری از اتهامات وارده تشخیص داده است» (۱).

کارتر در شب ژانویه سال ۱۹۷۸ به ایران می‌آید و موضع اصلی خود را در ضیافت شامی که از طرف شاه برای او ترتیب داده بود، بیان می‌دارد. در این نطق که بدون نظر سفیر آمریکا در تهران ایراد می‌شود، تمام آنچه که تغییر موضع حقوق بشری کارتر است و حمایت کامل از رژیم شاه را بیان می‌دارد، اعلام می‌شود و خیال شاه را نسبت به تمامی نگرانی‌ها آسوده می‌سازد. ویلیام سولیوان سفیر آمریکا در این باره چنین می‌گوید:

«نکته مهم و فراموش نشدنی این میهمانی سخنانی بود که پرزیدنت کارتر در سر میز شام خطاب به شاه ایراد کرد. سفارت نطق سنجیده و

زمان حضور او در کاخ سفید و در کنار کارتر، مخالفان شاه تظاهرات بی‌سابقه‌ای را ترتیب دادند که پلیس آمریکا را وادار به استفاده از گاز اشک‌آور نمود. این گاز نه تنها اشک مخالفان، بلکه اشک شاه و کارتر را نیز در آورد و این صحنه در تمام تلویزیون‌های دنیا نمایش داده شد. وقوع این اتفاق نشان از ضعف شاه و قدرت مخالفان داشت که برای ابراز مخالفت سازمان‌دهی دقیق انجام داده بودند.

کارتر در خاطرات خود به ملاقات خصوصی خود با شاه اشاره می‌کند و می‌گوید در این ملاقات توصیه‌هایی برای گسترش آزادی‌های سیاسی و تماس با گروه‌های ناراضی به شاه کرده ولی شاه ضمن دفاع از سیاست‌های خود گفته است که بیش‌ترین مخالفان او کمونیست هستند و قوانین ایران فعالیت‌های کمونیستی را در ایران منع کرده است.

شاه در این سفر برای جلب حمایت کارتر از حکومت خود با پیشنهاد او مبنی بر تثبیت قیمت نفت موافقت می‌کند و علیرغم سخنان گذشته خود مبنی بر لزوم افزایش قیمت نفت به دلیل افزایش تورم جهانی، در یک مصاحبه مطبوعاتی در آمریکا رسماً اعلام می‌دارد که در اجلاس آینده اوپک از تثبیت بهای نفت در یک سال آینده حمایت خواهد کرد. شاه در این کنفرانس مطبوعاتی اعلام می‌دارد که با نظریات پرزیدنت کارتر درباره مسایل مربوط به حقوق بشر کاملاً موافق است و به فضای باز سیاسی که اخیراً در ایران مطرح شده اشاره می‌کند.

در پایان سفر، شاه با ناامیدی و نگرانی آمریکا را ترک می‌کند و به انتظار سرنوشت می‌نشیند.

آرام بخشی برای رئیس‌جمهور تهیه دیده بود. ولی در میان شگفتی‌ها، کارتر بدون توجه به متنی که ما برای او تهیه کرده بودیم، فی‌البداهه شروع به صحبت کرد و مطالب اغراق آمیزی نسبت به شاه بر زبان آورد. در همین سخنرانی، وی از شاه به‌عنوان رهبر محبوب ملتش نام برد و ایران را یک جزیره ثابت در منطقه خواند، عناوینی که بعد از بروز بحران و آغاز انقلاب ایران بارها و بارها برای اثبات عدم روشن‌بینی رئیس‌جمهوری آمریکا نقل و یادآوری شد» (۲).

هدف کارتر از به کار بردن جمله «ایران یک جزیره ثابت در این گوشه متلاطم جهان است» اطمینان بخشیدن به شاه درباره ادامه سیاست گذشته آمریکا در حمایت از شاه بود تا چون گذشته، منافع آمریکا از طریق شاه تامین شود و حقوق بشر مطرح شده توسط کارتر در ایران جدی تلقی نگردد.

کارتر در انجام این ماموریت موفق شد و توانست با تجلیل و ستایش فوق‌العاده از شاه، نگرانی‌های او را برطرف و قوت قلب و اتکالی به نفس لازم را به او بازگرداند و او را به انجام اقدامات بعدی در چارچوب منافع آمریکا آماده سازد.

شاه برای گروه‌های کوچک چریکی که بعضاً دست به عملیات مسلحانه می‌زدند، اهمیت زیادی قایل نبود و اعتقاد داشت که حتی آسپزهای ارتش برای از بین بردن آن‌ها کافی هستند. او هم چنین روشنفکران مخالف را مورد تمسخر قرار می‌داد و از جانب آن‌ها احساس خطر نمی‌کرد اما در این میان از امام خمینی و پیروان او وحشت داشت، زیرا گزارش‌هایی درباره تکثیر نوارهای سخنان ایشان در نجف و پخش وسیع در سراسر کشور دریافت

کرده بود که بیش از حد او را نگران ساخته بود. به همین دلیل در پی فرصتی بود تا به خیال خود ضربه‌ای حیثیتی به امام خمینی وارد سازد و او را از چشم مردم بیندازد.

فوت مرحوم آقا سید مصطفی خمینی و اطمینان خاطر از حمایت‌های آمریکا از رژیم، فرصت مناسبی برای شاه بود تا هدف دیرینه خود را که خارج کردن رقیب از صحنه سیاسی ایران بود، عملی سازد. در این چارچوب و بدون توجه به نظر مشاوران شخصاً تصمیم به تهیه مقاله مربوط و چاپ آن در روزنامه اطلاعات گرفت و مقدمه سقوط خود را از این طریق فراهم نمود.

انتشار مقاله ایران و استعمار سرخ و سیاه در روزنامه اطلاعات با واکنش شدید مردم قم مواجه شد. روز بعد از انتشار این مقاله (۱۸ دی‌ماه ۱۳۵۶) طلاب قم درس‌های خود را تعطیل کردند و به‌طور دست‌جمعی به منزل مراجع حوزه علمیه رفتند و پس از کسب تایید آن‌ها در مسجد اعظم قم تجمع نمودند. در این تظاهرات برای نخستین بار شعارهایی بر ضد رژیم پهلوی داده شد و زد و خوردهای پراکنده با پلیس انجام گرفت اما حادثه سختی رخ نداد.

صبح روز دوشنبه ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۶ بازار قم تعطیل شد و طلاب و مردم قم به راهپیمایی به طرف منزل مراجع پرداختند. پلیس قم که در پی حوادث روز گذشته به حال آماده‌باش درآمده بود و از تهران نیز برای مقابله با تظاهرکنندگان کمک خواسته بود، به صف تظاهرکنندگان حمله کرد و تعدادی از مردم قم را به قتل رساند. در این تظاهرات مردم با خرد کردن تابلوی حزب رستاخیر

آموزگار و نخست‌وزیری شریف امامی، لغو نظام تک‌حزبی، تغییر تاریخ شاهنشاهی به تقویم هجری قمری، تظاهرات روز عید فطر (۱۳ شهریور ۱۳۵۶)، جمعه سیاه (۱۷ شهریور)، عزیمت امام خمینی به پاریس، حکومت نظامی، راهپیمایی روزهای تاسوعا و عاشورا، تشکیل دولت بختیار، خروج شاه از ایران، تشکیل شورای انقلاب، بازگشت امام از پاریس به ایران، پیوستن ارتش به انقلاب، فرار بختیار از کشور می‌باشد که به پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ منجر شد.

مقطع نیمه دوم سال ۱۳۵۶، از مقاطع بسیار مهم و حساس انقلاب اسلامی ایران است که سرنوشت نهایی انقلاب را رقم زد. این مقطع بسیار و بیش از این نیاز به توجه و تحلیل دارد که در زمان مناسب باید انجام گیرد.

**دکتر سید محمد صدر**

قم و شیشه‌بانک‌ها برای اولین بار اقدامات انقلابی خود را آغاز کردند.

خبر کشتار مردم قم بلافاصله در کشور پخش گردید و امام خمینی طی پیامی به طور آشکار حمله به رژیم پهلوی را آغاز نمود.

مراسم چهلم کشتار مردم قم در اکثر شهرها با آرامش برگزار شد اما در شهر تبریز به دلیل بستن مساجد توسط رژیم، تظاهرات خیابانی آغاز گشت و به درگیری با پلیس و کشتار تعداد دیگری از مردم تبریز منجر شد. در این تظاهرات نیز مرکز حزب رستاخیز، ساختمان‌های دولتی، مشروب‌فروشی‌ها، سینماها و بانک‌ها مورد حمله قرار گرفت و به آتش کشیده گردیدند.

مراسم چهلم مردم تبریز با کشتار مردم در یزد همراه بود. در این مراسم آیت‌الله صدوقی در حمایت از امام خمینی و تظاهرات مردم قم و تبریز سخنرانی کرد.

اتفاقات بعدی که به مرور زمان به وقوع پیوست و هر یک باعث پیشبرد انقلاب می‌شد شامل عناوین زیر می‌باشد: اعلام حکومت نظامی در اصفهان، آتش‌زدن سینما رکس آبادان، سقوط دولت

#### منابع

۱. طلوعی م (ترجمه). ماموریت در ایران (ویلیام سولیوان). چاپ سوم. تهران: انتشارات هفته؛ ۱۳۶۱: ۹۴.
۲. همان ص ۹۶.

